



Research Paper

The Status of the Themes of Wisdom from Ferdowsi's Viewpoint with the Consideration of the Role of Literature in the Dissemination of Knowledge (A Discursive Reading)

Ali Bazvand

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Farhangyan, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (bazvanda@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.143459.1045

Received:

April, 10, 2025

Accepted:

April, 23, 2025

Available

online:

June, 03, 2025

Keywords:

Discourse, The Shahnameh, Ferdowsi, Wisdom, Knowledge.

Abstract

In the fourth century AH, under the relatively tolerant policies of the Samanid dynasty and the establishment of favorable social and economic conditions, the rationalist movement gained significant momentum, culminating in the creation of Ferdowsi's *Shahnameh*, regarded as the "Book of Wisdom" for Iranians. Rationality is the dominant theme in Ferdowsi's *Shahnameh*. Ferdowsi considers wisdom the most valuable asset in human life. This study aims to explore the diverse meanings of wisdom in the *Shahnameh*. The epic begins with an invocation to the "Lord of Soul and Wisdom," highlighting the exalted status of wisdom in the poet's view. Ferdowsi believes that wisdom distinguishes humans from other creatures, and based on this principle, he evaluates and interprets the character and actions of Iranian kings and heroes. The *Shahnameh* was composed to articulate the social and political ideologies of pre-Islamic Iranian society, with wisdom regarded as the primary factor in legitimizing and perfecting the exercise of power and authority by kings and rulers. The findings of this study indicate that social interactions and the role of literature in promoting knowledge and awareness in Ferdowsi's *Shahnameh* encompass the following: peaceful coexistence, constructive dialogue, balanced relationships with others, recognition of values and the importance of family, helping fellow humans, courage in expression, social consciousness, detachment from worldly desires, ethical joy, resilience in facing challenges, logical reasoning, openness to consultation, and spiritual connection with God. Consequently, the sage of Tus considers wisdom and the dissemination of knowledge as the distinguishing features of human creation compared to other beings, using this framework to assess the character of Iranian kings and heroes.



مقاله پژوهشی

جایگاه مضامین خرد از دیدگاه فردوسی با تکیه بر نقش ادبیات در رواج دانایی (قرائتی گفتمانی)

علی بازوند (نویسنده مسؤول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (bazvanda@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.143459.1045

چکیده

در قرن چهارم، با اعمال سیاست‌های نسبتاً تساهل‌آمیز آل‌سامان و ایجاد شرایط نسبی رفاه اجتماعی و اقتصادی، نهضت خردگرایی پیشرفت روزافزونی کرد و شاهنامه فردوسی به عنوان خردنامه ایرانیان، سروده شد. خردگرایی، اندیشه غالب فردوسی در شاهنامه است. فردوسی، خرد را مهم‌ترین سرمایه انسان در زندگی می‌داند. هدف از این تحقیق، شناساندن معانی متنوع خرد در شاهنامه است. شاهنامه با نام خداوند جان و خرد آغاز شده‌است، کاربرد واژه خرد در ابتدای کتاب، حاکی از جایگاه والای خرد نزد شاعر است. او معتقد است که وجه ممیزه انسان با سایر آفریده‌ها، خرد است و بر همین اساس به ارزیابی و تبیین شخصیت و عملکرد شاهان و پهلوانان ایرانی می‌پردازد. فردوسی، شاهنامه را با هدف تبیین اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران پیش از اسلام سروده‌است و خرد را مهم‌ترین عامل تکمیل و تعیین کننده اعمال قدرت و مشروعیت پادشاه و حاکم می‌داند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ارتباط اجتماعی خردمندان و نقش ادبیات در رواج دانایی و آگاهی بخشی در شاهنامه فردوسی مشتمل بر این موارد است: همزیستی مسالمت‌آمیز، گفتار سازنده، ارتباط متعادل با افراد، درک ارزش‌ها و جایگاه خانواده، کمک به هم‌نوع، شجاعت در بیان، دغدغه‌مندی و آگاهی بخشی اجتماعی، عدم دل بستگی به دنیا، شادی اخلاق‌گرایانه، تحمل مشکلات، خرد منطقی، مشورت‌پذیری، ارتباط معنوی با خدا و... در نتیجه، حکیم توس، خرد و گسترش دانایی را وجه تمایز خلقت انسان از سایر موجودات می‌داند و بر همین اساس است که شخصیت شاهان و پهلوانان ایرانی را ارزیابی می‌کند. استناد: بازوند، علی (۱۴۰۴). «جایگاه مضامین خرد از دیدگاه فردوسی با تکیه بر نقش ادبیات در رواج دانایی (قرائتی گفتمانی)»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۳ (۲)، ۲۸-۱.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۰۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۳/۱۳

واژه‌های کلیدی:

گفتمان، شاهنامه، فردوسی، خرد، دانایی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

ارتباط اجتماعی، یکی از مضامین کلیدی است که می‌تواند فرد را در موقعیتی مناسب در فضای اجتماعی قرار دهد. «آفریدگار، خرد را آفرید تا فره را از آرز بپاید. زندگی فره از فرزانی خرد است و مرگ آن از خودکامگی ورن (شهوت)» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۸۹۹). در کتاب «مینوی خرد» نیز خرد، بهترین ابزار به دست آوردن بخت است که در تحولات بعدی در مقابل فره قرار می‌گیرد و مترادف آن است (تفضلی، ۱۳۸۰: ۲۲).

خردورزی موجب آگاهی و شناخت می‌شود و هویت انسانی را تکمیل می‌سازد. این جهان-شمولی از چند جنبه قابل بررسی است: ۱- اینکه تمام انسان‌ها از آن برخوردارند؛ حتی کسانی که از آن به شکل نامناسب استفاده می‌کنند، باز هم خرد دارند. ۲- قدرت قانع‌کنندگی خرد است که در دسترس همه قرارداد (سوتر، ۱۳۸۴: ۴۹)؛ البته در جوامع گسترده کنونی افرادی هم هستند که به دشمنی با خرد و دانش می‌پردازند: منتقدان و ستیزه‌گران با فلسفه و عقل سه طایفه هستند: ۱- مؤمنان به ادیان: آنها که جهد بر ظواهر دینی را، حتی در مورد اصول اعتقادات، وجهه همت خویش می‌سازند و هرگونه تدبیر را به شدت محکوم و مطرود می‌دانند؛ ۲- بسیاری از عرفا و اهل سلوک که استدلال عقلی و سعی فکری را حجاب معرفت می‌دانند؛ ۳- همه کسانی که تنها به قضایای علمی و تجربی تکیه می‌کنند (ابراهیمی‌دینانی، ۱۳۸۰: ۸).

در بسیاری از متون قدیمی و دیوان شاعران بزرگ، از جمله شاهنامه فردوسی، بر اهمیت خرد و دانایی بسیار تأکید شده است. عقل و خرد در شاهنامه فردوسی بر همه چیز ترجیح داده شده است «شاهنامه کتابی است که با نام خدا آغاز شده است و با نام خدا پایان یافته است. از اینکه بگذریم در سراسر این کتاب عظیم، هیچ داستان یا روایتی را نمی‌یابیم که یاد خدا به نحوی در آغاز و انجام آن نیامده باشد. شاهنامه به طور کلی، کتابی است که اعتقاد به خدا در تار و پود آن آمیخته است» (پرهام، ۱۳۷۷: ۱۶۶). فردوسی به دانش و داد و خرد و همچنین حکمت عادلانه ارج می‌نهد و مردم را به این اصول راهنمایی می‌کند و همچنین حکمت عملی که اخلاق، روش حکومت‌داری و... است در این کتاب به وفور دیده می‌شود (رنجبر، ۱۳۶۳: ۷۱). بسامد بالای واژه‌ها و مضامین خاص نزد هر شاعر، بیانگر زیربنای فکری اندیشه و دیدگاه شاعر است. خرد یکی از واژه‌های مهم و اساسی در شاهنامه است. کاربرد زیاد واژه خرد، تعلق خاطر فردوسی را به مفاهیم این واژه می‌رساند و به شناخت فردوسی و شاهنامه کمک می‌کند (صادقی‌گیوی، ۱۳۸۸: ۶).

شاهنامه فردوسی به عنوان بزرگ‌ترین سند هویت ایرانیان، سبب پایداری و بقای زبان فارسی در مواجهه با تهاجم‌های بیگانه بوده است و نقش بزرگی در جهت‌گیری فرهنگ فارسی داشته و دارد. «یک اثر ادبی با امور روانی و عاطفی انسان ارتباط تنگاتنگی دارد؛

زیرا اثر ادبی آمیزه‌ای از تخیل، الهام و اندیشه است که ذوق و دانش یک انسان آن را به وجود آورده است» (نیک‌روز و کریمی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

فردوسی معتقد است که اولین آفریده خداوند «خرد» است و وظیفه پاسداری از جان و روح انسان را برعهده دارد. فردوسی، خرد را حد اعلای آفرینش می‌داند و شاهنامه را با نام خداوند خرد و اندیشه آغاز کرده است:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(فردوسی، ۱۴۰۲: ج ۱/۱)

فردوسی، با تمرکز بر مفهوم خرد، به توصیف یک انسان چند بُعدی پرداخته است که دارا بودن خرد و دانش برای هر فرد را واجب و لازم می‌داند و خرد را یکی از ویژگی‌های اساسی انسان معرفی می‌کند. در اندیشه فردوسی «کسی که پای‌بند خرد است، می‌داند که خرد، چشم جان و راهنمای آدمی است. تا خرد انسان برجاست، او را به کار و کوشش رهنمون است» (رضا، ۱۳۷۴: ۳۲۸). فردوسی با تصوّر خرد به عنوان چشم جان، شادی انسان را از دریچه خردمندی تصور می‌کند:

خرد چشم جانست چون بنگری تو بی چشم، شادان، جهان نسپری

(همان: ج ۲/۱)

که چون باد بر ما همی‌بگذرد خردمند مردم چرا غم خورد؟!

(همان: ج ۶۷/۱)

ز شادی که فرجام او غم بود خردمند را ارزوی کم بود

(همان: ج ۶۶۵/۴)

در این راستا، خرد به عنوان بنیان مورد نظر برای تعریف ارتباط اجتماعی، به عنوان مفهومی پرتکرار و پربسامد در شاهنامه فردوسی، به شکلی گسترده در عرصه رشد فردی و اجتماعی جایگاه خود را به دست آورده است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد شاهنامه، پژوهش‌های بسیاری از قبیل کتاب، پایان‌نامه و به ویژه مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. اغلب پژوهش‌هایی که در حوزه خرد انجام شده است بخش‌هایی جزئی از دامنه گسترده موضوع خرد را بررسی کرده‌اند. از جمله پژوهش‌هایی که به نوعی به خرد پرداخته‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

حسنوند و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «خرم‌زیستی، شادکامی خردمندانه در گستره روان‌شناسی مبتنی بر شاهنامه فردوسی» به بررسی شادکامی که یکی از عوامل مهم در گستره روان‌شناسی مثبت‌گرا است، پرداخته‌است که درک دقیق تعریف و مؤلفه‌های آن، نیازمند بررسی دقیق در بافت فرهنگی هر جامعه است. از این‌رو، این پژوهش با هدف بازتعریف مفهوم شادکامی با عنوان شادکامی خردمندانه مبتنی بر شاهنامه فردوسی انجام گرفته‌است.

سبحانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه خرد و خردورزی در شاهنامه فردوسی» پژوهش خردگرایی را مهم‌ترین اندیشه فردوسی در شاهنامه می‌داند که بر آن تأکید زیادی داشته و همواره به اهمیت خرد اشاره کرده‌است. خرد و خردورزی از جمله فضایل اخلاقی است که در جان ابیات شاهنامه و شخصیت‌های آن بروز و ظهور یافته‌است. حسنوند و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط اجتماعی خردمندانه؛ بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی» نشان می‌دهند که ارتباط اجتماعی خردمندانه در شاهنامه فردوسی مشتمل بر چند مورد است و برای هر کدام از این موارد شواهدی ارائه داده‌اند.

انوشه و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی احترام میان والدین و فرزندان: بررسی زبان اجتماع در شاهنامه فردوسی» به بررسی مفهوم‌سازی ارزش فرهنگی احترام در روابط والدین - فرزندان و فرزندان - والدین در همه داستان‌ها پرداخته‌اند که در هر گروه به چه صورت مفهوم‌سازی شده‌اند و نمادهای این مفاهیم در زبان کدام موارد می‌باشند. طهماسبی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تقابل و تعامل با دیگری در فردوسی از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی (از گیومرت تا فریدون)» به بررسی موضوع تقابل و تعامل فرهنگی از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، در بخش اساطیری می‌پردازد. در ابتدا مفاهیمی همچون خود و دیگری، طرد و جذب، آرامش و آشوب و سپهر فرهنگی که از مفاهیم بنیادین نشانه‌شناسی فرهنگی به شمار می‌آیند، به کوتاهی توضیح داده‌اند.

رضاپورمقدم و حرمتی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های خردگرایی در نگاره‌های شاهنامه: مورد پژوهی نگاره دیدار ته‌مین و رستم» تأمل در مفاهیم مستتر در عناصر بصری نگاره دیدار ته‌مین و رستم، نشان از آن دارد که نگارگر به تأثیر از فردوسی با مضمون خرد آشنا بوده و به بیان و ترجمان بصری آن در روند طرح‌ریزی و مصورسازی نگاره اهتمام ورزیده‌است.

صادقی‌گیوی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مبانی اندیشه‌های خردگرایی در شاهنامه فردوسی» به بررسی خرد در شاهنامه می‌پردازد. فردوسی، خرد را مهم‌ترین ملاک در راهبردها

و راهکارهای زندگی انسان می‌داند و بر آن است که وجه ممیزه انسان در آفرینش، خرد است و بر همین اساس نیز شخصیت و عملکرد شاهان و پهلوانان ایرانی را تبیین و ارزیابی می‌کند. مشایخی (۱۳۸۸) در پژوهشی با نام «ارتباط خرد و شادی در شاهنامه فردوسی و مطابقت آن با شعر چند شاعر فارسی و عربی‌زبان» درصدد برآمده‌است ارتباط خرد و شادی را در شاهنامه فردوسی بررسی کند و نتایج حاصل از بررسی را با شعر چند شاعر فارسی و عربی‌زبان تطبیق دهد و در نهایت، نتیجه مشترک را بیان می‌کند.

خسروی و موسوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «خردورزی و دین‌داری اساس هویت ایرانی در شاهنامه» فردوسی خردورزی و دین‌داری را اساس بنیاد هویت و فرهنگ ایرانی می‌داند و با بازنمودن آن در شاهنامه و پیوند فرهنگ قبل و بعد از اسلام ایرانیان به آنان درس دین‌داری و خردورزی می‌آموزد.

رنجبر (۱۳۶۳) در کتابی با عنوان «جاذبه فکری فردوسی» بر آن است که عقل، خرد و دانش بر هر چیز دیگر برتری دارد و در آن به بررسی اندیشه‌های فردوسی با محوریت موضوعات دانش و خرد، مهر و کین، بازی سرنوشت و... پرداخته‌است.

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. مبانی اندیشه خردگرایی در ایران

۶

خردگرایی در ایران پیش از اسلام دارای مبانی و اصولی است که به شکل‌گیری تفکر فلسفی و علمی در این سرزمین کمک کرده‌است. در ادامه به بررسی این مبانی پرداخته می‌شود:

۱- فلسفه زرتشتی: الف- آیین زرتشتی: یکی از منابع خردگرایی در ایران باستان، آیین زرتشتی است. زرتشت به عنوان پیامبر این دین، تأکید زیادی بر خرد و تفکر منطقی داشت. او به پیروانش توصیه می‌کرد که با استفاده از خرد، به انتخاب‌های درست و اخلاقی بپردازند. ب- دوگانگی خیر و شر: در فلسفه زرتشتی، مفهوم دوگانگی خیر و شر و انتخاب بین آنها به تفکر خداگرایانه نیاز دارد. انسان‌ها باید با استفاده از خرد خود، راه درست را انتخاب کنند.

۲- فلسفه و علم در دوران هخامنشی: الف- پیشرفت‌های علمی: در دوران هخامنشی، ایران به عنوان یک مرکز فرهنگی و علمی شناخته می‌شد. دانشمندان و فیلسوفان ایرانی در زمینه‌های مختلفی مانند؛ ریاضیات، نجوم و پزشکی فعالیت می‌کردند و به تفکر خردگرایانه اهمیت می‌دادند. ب- تأثیر فرهنگ‌های دیگر: ارتباط با فرهنگ‌های دیگر مانند؛ یونان و مصر، تأثیر زیادی بر تفکر فلسفی و علمی ایرانیان داشت و به توسعه خردگرایی کمک کرد.

۳- ادبیات و شعر: الف- شعرای بزرگ: شعرای بزرگ ایرانی مانند؛ فردوسی، حافظ و سعدی و مولوی در آثار خود به خرد و حکمت اشاره کرده‌اند. این اشعار به ترویج اندیشه‌های

خردگرایانه و اخلاقی کمک کرده است. ب-داستان‌ها و افسانه‌ها: داستان‌های کهن ایرانی مانند؛ داستان‌های شاهنامه به تأکید بر خرد و حکمت در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای انسانی پرداخته‌اند. علاوه بر اینها، سده چهارم، قرن ترویج زبان فارسی و بروز و ظهور سبک‌ها و مکتب‌های گوناگون ادبی در نظم و نثر عربی و فارسی نیز بود. بسیاری از اسلوب‌های ادبی در این قرن به تکامل رسیدند و باعث رشد و اعتلای شعر و نثر گردیدند (محبوب، ۱۳۶۹: ۴۱۳). ۴-نظام آموزشی و تربیتی: آموزش و پرورش در ایران باستان به تربیت خرد و تفکر منطقی اهمیت می‌داد. آموزش فلسفه، ریاضیات و علوم طبیعی به جوانان، به توسعه اندیشه خردگرایانه کمک می‌کرد.

۵-فلسفه‌های باستانی: فلسفه مانوی و مزدکی؛ نیز به ترویج اندیشه‌های خردگرایانه و اخلاقی پرداخته و بر اهمیت انتخاب‌های آگاهانه تأکید داشتند.

خردگرایی در ایران پیش از اسلام به عنوان یک مبنای اساسی در تفکر فلسفی و علمی شناخته می‌شود. این اندیشه‌ها نه تنها در دین و فلسفه، بلکه در ادبیات و نظام آموزشی نیز تأثیرگذار بوده است و به شکل‌گیری یک فرهنگ غنی و خردمندانه کمک کرده است. این مبنای، پایه‌گذار تفکر و اندیشه‌های بعدی در دوران اسلامی نیز بوده‌اند.

۴. بحث و بررسی

تکرار واژه‌ها و مضامین خاص و بسامد بالای آن در نزد هر شاعر، بیانگر ایده و بنای اساسی اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و نشان‌دهنده حیطه و گستره مفاهیم اساسی در ذهن و زبان شاعر است. خرد یکی از واژگان مهم و کلیدی در شاهنامه است. کاربرد فراوان این واژه، نشانه تعلق خاطر فردوسی به مفاهیم و معانی این واژه است و به شناخت فردوسی و شاهنامه کمک می‌کند. مبنای تحلیل اشعار در این پژوهش مباحث و معانی متنوع خرد از دیدگاه فردوسی است.

۴-۱. معاشرت مسالمت‌آمیز با مردم

معاشرت مسالمت‌آمیز و خردمندانه با دیگران یکی از اصول اساسی و بنیادین زندگی اجتماعی و انسانی است که می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای سالم و پایدار کمک کند. هدف فردوسی از بیان ویژگی‌های فرد خردمند، تشریح و معرفی ویژگی‌های انسان آرمانی است که همان الگوی تبیین شده در متون ادب فارسی برای انسان خردمند و آرمانی، ذکر شده است (رزمجو، ۱۳۷۵: ۶۱). در ادامه به بررسی جنبه‌های مختلف این مفهوم پرداخته می‌شود: الف-احترام به تفاوت‌ها و پذیرش تنوع: انسان‌ها از نظر فرهنگ، مذهب، زبان و عقاید متفاوت هستند. احترام به این تفاوت‌ها و پذیرش آنها می‌تواند به همزیستی مسالمت‌آمیز کمک کند.

ب-گفتگوی سازنده و ارتباط مؤثر: برقراری گفتگوهای سازنده و مثبت می‌تواند به درک بهتر یکدیگر و حل اختلافات کمک کند. شنیدن نظرات دیگران و بیان نظرات خود به شکل محترمانه، کلید همزیستی مسالمت‌آمیز است.

پ-همدلی و همدری: توانایی درک احساسات و نیازهای دیگران و ابزار همدلی می‌تواند به تقویت روابط انسانی و ایجاد فضایی دوستانه کمک کند.

ت-حل مسالمت‌آمیز اختلافات و مدیریت تعارضات: در هر جامعه‌ای ممکن است اختلافاتی پیش بیاید. استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز برای حل این اختلافات؛ مانند میانجی‌گری و مذاکره می‌تواند به حفظ آرامش و دوستی کمک کند.

ث-ترویج فرهنگ صلح: آموزش فرهنگ صلح و همزیستی صلح‌جویانه از سنین پایین می‌تواند به شکل‌گیری جامعه‌ای با روحیه همکاری و همدلی کمک کند.

خردمندی موجب مدارا و سازگاری با دیگران می‌شود:

مدارا خرد را برابر بود خرد بر سر دانش افسر بود
(فردوسی، ۱۴۰۲: ج ۵۸۷/۴)

خردمندی باعث عدم آزار به دیگران و عدالت و دادگستری می‌شود:

که گیتی نه ماند و نه ماند به کس بی‌آزاری و داد جویید و بس!
(همان: ج ۵۴۷/۳)

خردمندی موجب زندگی صلح‌آمیز و همزیستی مسالمت‌جویانه می‌شود:

بدین در خردمند را جنگ نیست که هم راه دین ست و هم ننگ نیست
(همان: ج ۱۱۸ / ۱)

خرد انسان را به آشتی رهنمون می‌سازد:

مرا زآشتی سودمندی بود خرد بی‌گمان تاج بندی بود
(همان: ج ۸۸۵/۴)

خرد مانع تندخویی و خشونت نسبت به دیگران می‌شود:

که هرجای تندی نباید نمود سر بی خرد را نشاید ستود
(همان: ج ۸۴۵/۲)

خردمندی موجب بی‌آزاری و عدم اذیت دیگران می‌شود:

میازار کس را که آزاد مرد سر اندر نیارد به آزار و درد
(همان: ج ۱۷۱/۳)

اگر خردمندانه بیندیشیم به مفهوم واقعی انسان و انسانیت پی خواهیم برد:

ز راه خرد بنگری اندکی که مردم به معنی چه باشد یکی
(همان: ج ۳/۱)

افراد باخرد همواره جوانمرد و سخی و مردم‌دار هستند:
تو بیدار باش و جهاندار باش خردمند و راد و بی‌آزار باش
(همان: ج ۴/۷۷۴)
انسان‌های عاقلی که مردم از گزند آنان در امان هستند دائم در بین مردم ارج و قرب وافر دارند:
بود بر دل هرکسی ارجمند که یابند ازو ایمنی از گزند
(همان: ج ۳/۳۹۱)

۴-۲. گفتار سازنده و اثربخش در ارتباط با دیگران

گفتار سازنده و مؤثر در ارتباط با دیگران یکی از کلیدهای اصلی برقراری روابط مثبت و سالم است. این نوع گفتار می‌تواند به بهبود ارتباطات، کاهش سوء تفاهم و تقویت روابط کمک کند. در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و روش‌های گفتار سازنده پرداخته می‌شود:
الف- توجه به دیگران: به جای فقط منتظر بودن برای نوبت صحبت، به دقت به آنچه دیگران می‌گویند، گوش دهیم. این کار، نشان‌دهنده احترام و علاقه شما به نظرات آنهاست.
ب- انتخاب واژه مناسب: سعی کنید از واژه‌ها و جملات مثبت استفاده کنیم. به جای انتقاد به شکل منفی، می‌توان به دنبال راه حل‌ها و پیشنهادات سازنده باشیم.
پ- شفافیت در بیان: احساسات و نیازهای خود را به وضوح بیان کنیم. این کار به دیگران کمک می‌کند تا شما را بهتر درک کنند و به نیازهای شما پاسخ دهند.
افراد خردمند، گفتار نغز و شیوایی در ارتباط با دیگران دارند:
یکی پر خرد مرد پاکیزه مغز که بودش زبان پر ز گفتار نغز
(همان: ج ۱/۹۰)

انسان خردمند هرگز نباید سخن خام و نسنجیده بر زبان آورد:
همی‌گویی از خویشتن دور کن ز بخرد چنین خام باشد سخن
(همان: ج ۲/۷۰۰)

آدم‌های بی‌خرد و نادان همواره از سخنان نسنجیده خود نادم و پشیمان هستند:
همان بی‌خرد کو نیابد خرد پشیمان شود هم از گفتار بد
(همان: ج ۴/۶۷۷)

هنگام سخن گفتن باید بسیار مواظب و مراقب بود؛ زیرا سخن چون از دهان خارج شود مانند تیری است که از دهان خارج شود:

زوان در سخن گفتن آژیر کن کمان کن خرد را سخن تیر کن
(همان: ج ۴/۶۷۹)

افراد نادان و جاهل هر سخنی که بر زبان برانند هم گزنده و ناپسند است:
زبانی که اندر سرش مغز نیست اگر در بارد همان مغز نیست
(همان: ج ۲/۷۰۸)

کسی که اهل مدارا و سازگاری با دیگران باشد، مطمئناً فردی باخرد و دانش است:
مدارا خرد را برابر بود خرد بر سر دانش افسر بود
(همان: ج ۴/۵۸۷)

زمانی که سخن زیبا و سلیس بیان کنی، به هرچه بخواهی، می‌رسی:
همی گوهر افشانی اندر سخن تو داناتری، هرچه باید بکن!
(همان: ج ۴/۸۸۶)

افرادی که گفتار خوب و در انجام کارها باخرد هستند، همواره سربلند و موفق هستند:
سرش راست بر شد چو سرو بلند به گفتار خوب و خرد کاربند
(همان: ج ۱/۳)

کلام مؤثر موجب می‌شود فرد از خطرات و آسیب‌ها در امان بماند:
سخن لنگر و بادبانش خرد به دریا خردمند چون بگذرد
(همان: ج ۴/۶۸۲)

خردمندی موجب می‌شود آدمی اندیشه و افکار و گفتارش سنجیده و حساب‌شده باشد:
هر آن‌کس که اندر سرش مغز بود همه رای و گفتار او مغز بود!
(همان: ج ۳/۴۰۸)

با سخن گفتن، میزان و معیار خرد و دانش انسان سنجیده می‌شود:
بداند که چندان نداری خرد که مغزت به دانش سخن پرورد!
(همان: ج ۴/۱۰۴۵)

۳-۴. رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط

میانروی در ارتباط با دیگران به معنای ایجاد تعادل و حفظ حد و مرزهای مناسب در روابط است. این مفهوم شامل چند نکته کلیدی است:
الف- احترام به دیگران: همیشه باید به نظرات و احساسات دیگران احترام بگذارید؛ حتی اگر با آنها موافق نیستید.

ب- گوش دادن به سخن دیگران: به جای اینکه فقط منتظر بمانید تا نوبت شما برسد، به دقت به آنچه دیگران می‌گویند گوش دهید و سعی کنید کلام مخاطب را درک کنید. میانه‌روی موجب حفظ حریم فرد در جامعه می‌شود:

میان‌ه‌روی موجب حفظ حریم فرد در جامعه می‌شود: خردمند خواندند پاکیزه رای (همان: ج ۳/ ۳۹۱)

با افراد دروغ‌گو و بدنهاد باید دوری گزید:

مکن دوستی با دروغ آزمای همان نیز با مرد ناپاک رای (همان: ج ۳/ ۴۵۱)

از دوستی با افراد نادان باید پرهیز کرد و دشمنی با افراد دانا از دوستی با افراد نادان برتر و والاتر است:

که دشمن که دانا بود به ز دوست ابا دشمن و دوست، دانش نکوست (همان: ج ۳/ ۹۲)

دشمن دانای سرسخت از دوست نادان بهتر است:

چو دانا ترا دشمن جان بود به از دوست مردی که نادان بود! (همان: ج ۴/ ۶۶۵)

هم‌نشینی با افراد دانا موجب سربلندی انسان شود:

چو با مرد دانان باشد نشست زبردست گردد سر زبردست! (همان: ج ۴/ ۶۷۲)

در طول زندگی باید دوست را از دشمن بشناسیم:

بین نیک تا دوستدار تو کیست خردمند و اندوه‌گسار تو کیست (همان: ج ۱/ ۴۶۴)

ارتباط با خردمندان و دانایان موجب سربلندی انسان در ایام زندگی می‌شود:

چو یابد خردمند نزد تو راه بماند به تو تخت و گنج و سپاه (همان: ج ۴/ ۷۹۷)

کردار نیک نتیجه‌توانایی و خرد انسان است:

تو کردار خوب از توانا شناس خرد نیز به نزدیک دانا شناس! (همان: ج ۳/ ۴۱۷)

دوری گزیدن از انسان‌های منحرف و ریاکار:

می‌آمیز با مردم کژگوی که او را نباشد سخن جز به روی!
(همان: ج ۴/۸۰۳)

در نیکی کردن به دیگران باید تعادل را مراعات کرد:
همان نیز نیکی به اندازه کن
ز مرد جهان‌دیده بشنو سخن
(همان: ج ۴/۷۷۵)

۴-۴. درک ارزش و جایگاه خانواده

درک ارزش و جایگاه خانواده یکی از اصول اساسی در زندگی هر فرد است. خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها و رفتارهای فرد دارد. در اینجا چند نکته درباره اهمیت خانواده آورده می‌شود:

الف- حمایت عاطفی: خانواده به عنوان یک منبع حمایت عاطفی عمل می‌کند. در زمان‌های سخت، اعضای خانواده می‌توانند به یکدیگر کمک کنند و احساس امنیت و آرامش فراهم آورند.

ب- تربیت و آموزش: خانواده نقش کلیدی و مؤثری در تربیت و آموزش فرزندان دارد. ارزش‌ها، باورها و رفتارهای اولیه در خانواده شکل می‌گیرند و بر رفتار فرد در جامعه تأثیر می‌گذارند.

پ- ایجاد هویت: خانواده به فرد هویت می‌دهد. ارتباط با خانواده و شناخت ریشه‌ها و تاریخچه خانوادگی به فرد کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسد.

ارتباط تنگاتنگ و محکم برادران و اعضای خانواده با هم:

که گر دو برادر نهد پشت پشت تن کوه را خاک ماند به مشمت
(همان: ج ۱/۵۰۵)

فردی که برادر و اقوام نزدیک خود را به بهای ناچیز بفروشد، نباید این فرد را لایق دانست:
کسی کو برادر فروشد به خاک سزد گر نخواندش از آب پاک
(همان: ج ۱/۶۶)

کسانی که به دین و اعتقاد و آداب و رسوم گذشتگان خود اعتقادی ندارند، کم‌خرد و نادان هستند:
کسی را که کوتاه باشد خرد به دین نیاکان خود ننگرد
(همان: ج ۴/۶۵۴)

خردمند باید در طول زندگی ارج و ارزش افراد نژاده و با اصالت را رعایت کند:
شما را جهان بازجستن به داد نگه داشتن ارجِ مردِ نژاد
(همان: ج ۴/۶۲۷)

خردمندان باید به دین و اعتقاد گذشتگان خود باورمند باشند:

تو بس کن به دین نیاکان خویش خردمند مردم نگرده ز کیش
(همان: ج ۴/ ۹۶۲)

انسان‌های هوشیار و باخرد باید یاد و نام بزرگان را هرگز فراموش نکند و آنان را محترم بشمارند:
هشیار و آزاده و بزرگان بسی نامبردار دارد به یاد
(همان: ج ۴/ ۸۵۱)

نژادی ازین نامورتر که راست؟! خردمند گردن نیچد ز راست!
(همان: ج ۳/ ۱۶۱)

با خردمندی و دانایی و با سخاوت و عدالت، از دیگران و وابستگان باید دلجویی کرد:
به پاسخ تو با او درشتی مگوی به پیوند و آزم او را بجوی
(همان: ج ۴/ ۷۴۷)

اگر بخشش و دانش و رسم و داد خردمند گرد آورد با نژاد
(همان: ج ۴/ ۷۲۱)

۴-۵. کمک‌رسانی با مشورت و همدلی

مشورت و همدلی دو مفهوم بسیار مهم در روابط انسانی هستند که می‌توانند به بهبود ارتباطات و ایجاد روابط سالم‌تری کمک کنند. مشورت به معنای تبادل نظر و دریافت دیدگاه‌های دیگران در مورد یک موضوع خاص است. این عمل می‌تواند به ما کمک کند تا:
الف- تصمیم‌گیری بهتر: با شنیدن نظرات و تجربیات دیگران می‌توانیم تصمیمات بهتری بگیریم.
ب- گسترش افق دید: مشورت با دیگران می‌تواند به ما کمک کند تا از زوایای مختلف به یک موضوع نگاه کنیم و دیدگاه‌های جدیدی پیدا کنیم.
پ- تقویت روابط: وقتی با دیگران مشورت می‌کنیم، احساس ارزشمندی و احترام به نظرات آنها را نشان می‌دهیم که می‌تواند روابط را تقویت کند.

وفاداری و همراهی با بزرگان موجب یادگیری و آموزش مفاهیم بسیاری از آنان می‌شود:
وفادار باشیم تا جلودان سخن بشنویم از لب بخردان
(همان: ج ۳/ ۵۷۵)

دوستی و هم‌نشینی با پیران و بزرگان باعث یادگیری موضوعات بسیاری از آنان می‌شود:
یکی باخرد پیر کردم به پای سخنگوی و بادانش و رهنمای
(همان: ج ۳/ ۵۰۰)

دوستی و ارتباط با فردی باید داشت که در هنگام بلایا و مشکلات همدل و یار تو باشد:

همان دوستی با کسی کن بلند که باشد به سختی ترا یارمند
(همان: ج ۴/ ۶۷۹)

گوش دادن به راهنمای فرد خردمند موجب توانایی جسم و جان فرد می شود:
سپردن به دانای داننده گوش به تن توشه یابی، به دل رای و هوش
(همان: ج ۴/ ۷۲)

انسان وقتی به بزرگی می رسد باید به دیگران هم کمک و مساعدت کند:
چو مهتر شدی، کار هشیار کن ندانی تو، داننده را یار کن
(همان: ج ۴/ ۱۰۴۸)

باید با افراد دانا و عاقل مشورت و با یتیمان هم مهربانی کرد:
همه رای با مرد دانا زنید دل کودک بی پدر مشکنید
(همان: ج ۳/ ۵۵۶)

نگه کن که هوش تو در دست کیست ز مردم شمار، از ز دیو و پریست
(همان: ج ۱/ ۳۲)

منشأ و آبشخور همه خوبی ها خداوند است و باید با افراد دانا هم نشین شد:
همه نیکوی ها ز یزدان شناخت خرد جست و با مرد دانا بساخت
(همان: ج ۳/ ۵۴۷)

حاکم و فرمانروای هوشمند نباید به سخن بدگویان و بداندیشان گوش دهند:
چو باشد جهانجوی با فر و هوش نباید که دارد به بدگوی گوش!
(همان: ج ۴/ ۶۷۵)

دوستی و هم نشینی و مشورت با فرد بزرگ، انسان را به عرش می رساند:
به کیوان رسیدم ز خاک نژند از آن نیک دل نامدار ارجمند
(همان: ج ۱/ ۷)

۴-۶. شجاعت در ابراز نظر

شجاعت و جرأت در بیان نظر یکی از ویژگی های مهم در ارتباطات انسانی است که می تواند تأثیر زیادی بر روابط و محیط های اجتماعی داشته باشد. در اینجا چند نکته درباره اهمیت این ویژگی ها آورده می شود:

الف- احترام به خود: وقتی شجاعت دارید تا نظر خود را بیان کنید به خودتان احترام می گذارید و نشان می دهید که به ارزش های خود اعتقاد دارید.

ب-صداقت در گفتگو: بیان شجاعانه نظرات می‌تواند به ایجاد فضایی باز و صادقانه در گفتگوها کمک کند؛ جایی که دیگران نیز تشویق می‌شوند تا نظرات خود را بیان کنند. افراد خردمند جز راستی و صداقت مطلبی بر زبان نمی‌آورند:

نژادی ازین نامورتر که راست؟! خردمند گردن نیچد ز راست!
(همان: ج ۱/۳/۱۶۱)

انسان عاقل و دانا نباید جز از خداوند از کس دیگری بترسد:
سرم کرد سیر و دلم کرد بس! جز از پاک یزدان نترسم ز کس
(همان: ج ۱/۲۷۷)

نبايد از افراد بدنهاد و بدذات بيهوده ترس به دل راه داد:
چو دانسته شد، چاره‌ساز آن زمان! به خیره مترس از بد بدگمان!
(همان: ج ۱/۳۲)

وقتی حریف هم‌ردیف توست نباید ترس و بیم به خود راه دهی:
برابر چو بینی کسی هم نبرد نبیند که گردد ترا روی زرد
(همان: ج ۴/۶۷۹)

افراد شجاع هرچه را که بخواهند از پادشاه درخواست خواهند کرد:
بدان ای برادر که از شهریار بجوید خردمند هرگونه کار
(همان: ج ۳/۴۴۶)

فرد دانا هرگز پشت به دشمن نمی‌کند:
یکی آنک پیروز‌گر باشد اوی ز دشمن نتابد گه جنگ روی!
(همان: ج ۳/۴۴۶)

شجاعت در مقابل ظالم:
نباشم بدین محضر اندر گوا! نه هرگز براندیشم از پادشا!
(همان: ج ۱/۳۷)

موبد هم باید در بیان نظر خود شجاعت داشته‌باشد:
خردمند و بیدار و زیرک به نام کز آن موبدان او زدی پیش گام
(همان: ج ۱/۳۲)

۴-۷. حس اجتماعی و بیداری فکری

دغدغه‌مندی به معنای نگرانی و توجه به مسائل و چالش‌های اجتماعی است که افراد و جوامع با آن مواجه هستند. آگاهی اجتماعی به معنای درک و شناخت عمیق از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این دغدغه و آگاهی‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف- مسائل اجتماعی: افرادی که دغدغه‌مندی دارند، معمولاً تمایل دارند تا با تحقیق و تحلیل عمیق‌تر به درک بهتری از مسائل اجتماعی برسند و راه‌حلی برای آنها پیدا کنند.

ب- تأثیرگذاری: این دغدغه می‌تواند به افراد انگیزه دهد تا در جامعه فعال باشند و به تغییرات مثبت کمک کنند.

پ- آگاهی از مسائل روز: آگاهی اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا از مسائل و چالش‌های جاری در جامعه خود و جهان آگاه شوند.

افراد خردمند دغدغه اجتماع دارند و درد اجتماع را درد خود می‌دانند:

به شهری که بیداد شد پادشا ندارد خردمند بودن روا
(همان: ج ۴/۷۹۴)

فرد دانا و خردمند آگاهی اجتماعی دارد و با بدی‌ها و کجی‌ها مبارزه می‌کند:

و دیگر که گیتی ز نابخردان بپردخت و بستد ز دست بدان
(همان: ج ۱/۴۸)

فرد منحرف را باید دیو دانست؛ زیرا دغدغه اجتماع ندارد:

هر آن کو بگشت از ره مردمی ز دیوان شمر، مشمرش ز آدمی
(همان: ج ۲/۶۳۶)

فرد خردمند باید به سخن بر حق دیگران گوش فرادهد:

خرد گر بدین گفت‌ها نگرود مگر نیک معنی همی‌نشنود
(همان: ج ۲/۶۳۶)

اصالت و نژاده بودن باید موجب خردمندی شود:

ز تخم کیان بود و بیدار بود خردمند و گرد و بی‌آزار بود
(همان: ج ۱/۳۵)

فرد بزرگ و دانشمند باید دغدغه اجتماعی و آگاهی داشته‌باشد:

به شهر اندرون گرد مهرباب بود که روشن‌روان و بی‌خواب بود
(همان: ج ۱/۱۷۳)

حکیمی که بد اُرسطالیس نام
خردمند و بیدار گسترده کام
(همان: ج ۳/۲۴۶)

۴-۸. گسست از تمایلات دنیوی

عدم دلبستگی به دنیا یکی از مفاهیم عمیق در فلسفه و روان‌شناسی است که به معنای کاهش وابستگی به مادیات، خواسته‌ها و تجارت دنیوی است. این مفهوم می‌تواند به افراد کمک کند تا زندگی آرام‌تری داشته‌باشند و به ارزش‌های عمیق‌تری دست یابند. مفاهیم عدم دلبستگی: الف-آزادی از وابستگی: عدم دلبستگی به دنیا به معنای آزادی از وابستگی به مادیات، موفقیت‌های اجتماعی و نظرات دیگران است. این آزادی می‌تواند به افراد کمک کند تا احساس آرامش بیشتری داشته‌باشند.

ب-تمرکز بر ارزش‌های درونی: افرادی که به دنیا دلبستگی ندارند، معمولاً بیشتر بر ارزش‌های درونی مانند؛ عشق، دوستی و رشد شخصی تمرکز می‌کنند.

به دلیل زودگذر بودن عمر فرد خردمند نباید غم و غصه دنیا را بخورد:
برین و بر آن روز هم بگذرد
خردمند مردم چرا غم خورد
(همان: ج ۱/۲۵۹)

فردوسی شادی را در عدم دلبستگی به دنیا می‌داند:

هرآنکه که باشی بدو شادتر
ز رنج زمانه دل آزادتر
(همان: ج ۴/۷۹۶)

فرد خردمند در این دنیای زودگذر بدون درد و رنج نیست:

یکی گفت کاندلر سرای سپنج
نباشد خردمند، بی‌درد و رنج
(همان: ج ۴/۶۶۸)

انسان باخرد دل به دنیای زودگذر نمی‌بندد:

نبندد دل اندر سپنجی سرای
خردیافته مردم پاک رای!
(همان: ج ۴/۷۹۱)

۴-۹. زندگی و شادی اخلاق‌مدار

شادی اخلاق‌گرایانه یکی از مفاهیم جالب در فلسفه اخلاق و روان‌شناسی است که به ارتباط بین شادی و ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد. این نوع شادی به معنای دستیابی به خوشبختی از طریق عمل به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی است.

الف-احساس رضایت: عمل به اصول اخلاقی می‌تواند احساس رضایت و خوشحالی عمیق‌تری را در افراد ایجاد کند؛ زیرا آنها احساس می‌کنند که به جامعه و دیگران کمک می‌کنند.

ب- تقویت روابط اجتماعی: شادی اخلاق‌گرایانه می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد ارتباطات مثبت با دیگران کمک کند. افرادی که به ارزش‌های اخلاقی پایبندند، معمولاً روابط بهتری با دیگران دارند.

زندگی مبتنی بر اخلاق به معنای زندگی کردن براساس اصول و ارزش‌های اخلاقی است که به فرد کمک می‌کند تا تصمیمات درست بگیرد و رفتارهای مثبت و سازنده‌ای داشته‌باشد. نتایج زندگی اخلاق‌مدار:

الف) احساس رضایت: عمل به اصول اخلاقی می‌تواند احساس رضایت و خوشبختی بیشتری را در افراد ایجاد کند؛ زیرا آنها احساس می‌کنند که در حال انجام کارهای درست هستند.

ب) تقویت جامعه: وقتی افراد به اصول اخلاقی پایبند باشند، جامعه‌ای سالم‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد.

شادی مبتنی بر خرد موجب می‌شود که دنیای زیباتری داشته‌باشیم:

هر آن کس که او شاد شد از خرد جهان را به کردار بد نسپرد
(همان: ج ۳/۵۵۷)

نتیجه به کارگیری عدالت شادی عمیق روح و روان است:
به هر کار فرمان مکن جز به داد که از داد باشد روان تو شاد
(همان: ج ۴/۷۷۴)

از نتایج بدی نبود آرامش و آسایش در زندگی است:
و گر بد کنی، جز بدی ندروی! شبی در جهان شادمان نغوی!
(همان: ج ۳/۲۴۶)

آموختن دانش موجب کسب آرامش و رامش است:
بیاموز و بشنو ز هر دانشی بیابی ز هر دانشی رامشی
(همان: ج ۱/۱۰۵)

نتیجه بدی عدم آرامش است:
اگر بد کنی، جز بدی ندروی شبی در جهان شادمان نغوی
(همان: ج ۳/۲۴۶)

نیکوکاری موجب ماندگاری نام نیک و شادکامی است:
اگر نیک باشی، بماندت نام! به تخت کیی بر بوی شادکام!
(همان: ج ۳/۲۴۶)

باید از شادی دیگران شاد بود:

به شادیش باید که باشیم شاد چو دادِ زمانه بخواهیم داد!
(همان: ج ۴/۶۶۶)

حاکمی که مردم کُشورش را به زر و سیم بفروشد نباید که زنده بماند:
سپهد که مردم فروشد به زر نباید بدین بارگه با کمر
(همان: ج ۴/۶۲۷)

۴-۱۰. تحمل مشکلات

تحمل مشکلات یکی از مهارت‌های مهم در زندگی است که به ما کمک می‌کند تا با چالش‌ها و سختی‌های زندگی بهتر کنار بیاییم. این مهارت می‌تواند به ما در مواجهه با استرس، ناامیدی و بحران‌های مختلف کمک کند. راهکارهای افزایش تحمل:

الف- توسعه نگرش مثبت: داشتن نگرش مثبت می‌تواند به ما کمک کند تا در مواجهه با مشکلات، به جای تمرکز بر جنبه‌های منفی، به راه حل‌ها فکر کنیم.

ب- هر مشکل و چالشی که با آن مواجه می‌شویم، فرصتی برای یادگیری و رشد است. با تحلیل تجربیات گذشته، می‌توانیم بهبود یابیم و بهتر عمل کنیم.

خردمند غم دنیای زودگذر و فانی را هرگز نمی‌خورد:

که چون باد بر ما همی بگذرد خردمند مردم چرا غم خورد؟
(همان: ج ۱/۶۷)

افراد دانا همهٔ امور را از جانب خداوند می‌دانند:
بد و نیک هر دو ز یزدان بود لب مرد باید که خندان بود
(همان: ج ۳/۱۴۳)

عدم دلبستگی به دنیای فانی و زودگذر:
چه بندی دل اند سرای سپنج چو دانی که ایدر نمائی، مرنج
(همان: ج ۳/۱۲۷)

۴-۱۱. دانش، منشأ شادی و آرامش است

دانش می‌تواند به طور قابل توجهی موجب شادی و رضایت در زندگی شود. اثرات دانش در زندگی:

الف- افزایش آگاهی و فهم: درک بهتر از جهان، دانش به ما کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را بهتر درک کنیم، می‌توانیم به سؤال‌ها و چالش‌های زندگی پاسخ‌های بهتری بدهیم.

ب- توانمندسازی: دانش به ما کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری بگیریم. وقتی اطلاعات کافی داریم، می‌توانیم انتخاب‌های بهتری داشته باشیم که به زندگی شادتری منجر شود.

فردوسی سفارش به یادگیری دانش و یافتن آرامش به وسیله دانش می‌کند:
 بیاموز و بشنو ز هر دانشی بیابی ز هر دانشی رامشی
 (همان: ج ۱/۱۰۵)

دانش منتج به شکیبایی در تمام امور و آرامش در زندگی می‌شود:
 بر ما شکیبایی و دانش است ز دانش روان‌ها پر از رامش است
 (همان: ج ۳/۳۰۷)

نتیجه دانش و فرهنگ، تندرستی روح و روان آدمی است:
 گهر بی‌هنر زار، خوارست و سست به فرهنگ باشد روان تندرست
 (همان: ج ۴/۷۲۱)

۴-۱۲. بهره‌گیری از خرد منطقی

تعریف خرد منطقی: به معنای استفاده از استدلال، تحلیل و تفکر منطقی برای حل مسائل و تصمیم‌گیری است. این نوع تفکر به ما کمک می‌کند تا از احساسات و پیش‌داوری دور شویم و به واقعیت‌ها و شواهد توجه کنیم. استفاده از خرد منطقی می‌تواند به ما در درک بهتر مسائل، تحلیل دقیق‌تر و اتخاذ تصمیمات صحیح‌تر کمک کند.
 در تمامی امور باید خرد را راهنما و هدایتگر خود در زندگی بدانیم:
 چرا نی به فرمانش‌اندر، نه چون خرد کرد باید بدین رهنمون
 (همان: ج ۱/۳۲۸)

خرد بهترین هدیه خداوند به انسان می‌باشد:
 خرد بهتر از هرچه ایزدت بداد ستایش خرد را به، از راه داد
 (همان: ج ۱/۱۱)

فرد با خرد روح و روانی آرام دارد:
 بدو گفت ای پر خرد پهلوان به رنج اندرون چند پیچی روان؟
 (همان: ج ۲/۷۶۰)

خرد توشه و اندوخته‌ای است که همیشه همراه انسان است:
 بدو گفت: شاهانوشه بدی خرد را به اندیشه توشه بدی
 (همان: ج ۳/۳۷۶)

خرد هدایتگر انسان به نیکی است:
 به نام خداوند خورشید و ماه که دل را به نامش خرد داد راه
 (همان: ج ۲/۵۱۷)

خرد در وجود انسان حکم چشم جان و روان را دارد:
خرد چشم جان است چون بنگری که بی چشم، شادان، جهان نسپری
(همان: ج ۲/۱)

خرد موجب مردم‌داری است:
به فرهنگ یازد کسی کش خرد بود روشن و مردمی پرورد
(همان: ج ۴۱۳/۳)

خرد راهنما و هدایتگر انسان در دنیا و آخرت است:
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای
(همان: ج ۱/۱)

فرد بی خرد همیشه زندانی و زنجیر نادانی و بی‌خردی خویش است. «سپردن سرنوشت انسان به دست خرد، وابسته کردن هر دو سرای و فزونی و کاستیش به خرد، رکن اصلی جهان‌بینی فردوسی است» (میزانی‌جوانشیر، ۱۳۸۰: ۶۳).
ازویی به هر دو سرای ارجمند گسسته خرد پای دارد به بند
(همان: ج ۲/۱)

دانش و خرد آنقدر بزرگ است که در توصیف نمی‌گنجد:
خرد را و جان را که یارد ستود؟ و گر من ستایم، که یارد شنود؟
(همان: ج ۲/۱)

۴-۱۳. غنیمت شمردن حال

غنیمت شمردن حال به معنای قدردانی و بهره‌برداری از لحظه‌های کنونی زندگی است. وقتی به حال توجه می‌کنیم و از آن لذت ببریم، می‌توانیم از نگرانی‌های آینده دور شویم. خرد موجب می‌شود که غم دنیا را نخورد:
از اندوه خوردن نداشت سود کجا بودنی بود و شد کار بود
(همان: ج ۵۶/۳)

بخشندگی باید پیشه ساخت و به فکر آینده نبود:
بکوشید و بخشنده باشید نیز ز خوردن به فردا ممانید چیز
(همان: ج ۴/۱۰۸۴)

دنیا محل گذار است و خردمند نباید غم دنیا بخورد:
جهان بر کهان و مهان بگذرد خردمند مردم چرا غم خورد
(همان: ج ۴/۱۰۲۴)

دنیا به سرعت باد در حال گذر است و فرد با خرد نباید غم و انده دنیا بخورد:
 که چون باد بر ما همی بگذرد خردمند مردم چرا غم خورد
 (همان: ج ۲/ ۶۷/۱)

۴-۱۴. مشورت پذیری

مشورت پذیری یکی از ویژگی‌های مهم و ارزشمند در زندگی شخصی است. این مهارت به ما کمک می‌کند تا از تجربیات و نظرات دیگران بهره‌مند شویم و تصمیمات بهتری بگیریم. در مشورت می‌توان به دیدگاه‌ها و تجربیات متفاوتی دست یابیم.
 هر فرد خردمند در زندگی چه پادشاه و چه سایرین باید اهل مشورت باشد:
 هر آن پادشاهی که دارد خرد ز گفت خردمند رامش برد
 (همان: ج ۳/ ۵۵۱)

حضور مشاور خردمند موجب رهایی از جهل و تاریکی است:
 چو بودی خردمند نزدیک تو که روشن شدی جان تاریک تو
 (همان: ج ۴/ ۱۰۵۱)

خردمند همواره فروتن و متواضع است:
 کسی کو فروتن‌تر او رادتر دل دوستداران بدو شادتر
 (همان: ج ۴/ ۷۹۵)

باید سخن مشاوران خردمند را گوش داد و به کار بست:
 ز فرزندگان چون سخن بشنویم به رای و به گفتارشان بگرویم
 (همان: ج ۴/ ۷۳۸)

طرف مشورت انسان باید دانا و باخرد باشد:
 مزن رای جز با خردمندمرد از آیین شاهان پیشین مگرد
 (همان: ج ۳/ ۴۰۷)

۴-۱۵. کنترل خشم

کنترل خشم یکی از مهارت‌های مهم در مدیریت احساسات و بهبود روابط اجتماعی است. به ما کمک می‌کند تا در تعاملات اجتماعی بهتر عمل کنیم و از بروز تنش‌ها و درگیری‌ها جلوگیری کنیم.

بکار نبستن خرد در زندگی موجب آزردهی جسم و جان آدمی می‌شود:
 کسی کو خرد را ندارد ز پیش دلش گردد از کرده خویش ریش
 (همان: ج ۱/ ۲)

همواره باید در تصمیمات شتاب نداشت و خرد را راهنما و چراغ راه در زندگی دانست:
ز راه خرد هیچ گونه متاب پیشیمانی آرد دلت را شتاب

(همان: ج ۳/ ۴۰۷)

افراد عاقلی که کم‌تر خشمگین می‌شوند در نتیجه کم‌تر مورد آزار دیگران می‌شوند:
خنک آنکه در خشم هشیارتر همان بر زمین او بی‌آزارتر

(همان: ج ۳/ ۴۰۹)

ستون و عمود خردمندی بردباری و شکیبایی است:
ستون خرد بردباری بود چو تندی کند، تن به خواری بود

(همان: ج ۴/ ۶۰۵)

خردمند همواره بی‌آزار است و بر زبان خود مسلط است:
خردمند باش و بی‌آزار باش همیشه زوان را نگه‌دار باش

(همان: ج ۲/ ۹۰۶)

۴-۱۶. ارتباط معنوی با خداوند

ارتباط معنوی با خداوند یکی از عمیق‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان است.
ارتباط با خداوند می‌تواند به ما احساس آرامش و امنیت بدهد. در زمان‌های دشوار این
ارتباط می‌تواند منبعی از قوت و امید باشد. ارتباط معنوی با خداوند موجب شادی و برکت
و دوری از خدا منجر به ناراحتی و کاستی در زندگی می‌شود:

ازو شادمانی و زویت غمیست و زویت فزونی و زو کمیست

(همان: ج ۱/ ۱)

افراد خردمند جسم را متعلق به این دنیا و روح را متعلق به سرای باقی می‌دانند:
خردمند و دانا و روشن‌روان تنش زین جهانست و جان زان جهان

(همان: ج ۴/ ۶۶۴)

خردمندان همهٔ امور را از خداوند می‌دانند:
به یزدان گراییم فرجام کار که روزی ده اویست و پروردگار

(همان: ج ۴/ ۶۶۵)

ارتباط معنوی با خدا نتیجهٔ داشتن خرد و همین موجب دوری از تاریکی و جهل است:
هرآنکس که او راه یزدان بجست بآب خرد جان تیره بشست

(همان: ج ۴/ ۶۲۷)

خرد چراغی برای خداشناسی است:

ز بهر پرستش سر و تن بشست به شمع خرد راه یزدان بجست

(همان: ج ۲ / ۸۸۸)

کسی که از خداوند دوری جوید، مطمئناً فرد بی‌خردی است:

هر آنکس که از دادگر یک خدای بیپچد، ندارد خرد را به جای

(همان: ج ۱ / ۲۱۲)

خردمند کسی است که سپاس‌مند نعمات خداوند است:

خردمند و بینادل آن را شناس که دارد ز دادار گیهان سپاس

(همان: ج ۴ / ۶۲۵)

۴-۱۷. خوش بینی به آینده

خوش بینی به آینده یکی از نگرش‌های مثبت و سازنده است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی داشته‌باشد. این نگرش به ما کمک می‌کند تا با امید و انگیزه به سمت اهداف و آمال‌های خود حرکت کنیم.

افراد باخرد هرگز از بد و نیک روزگار آزرده نمی‌شود:

بد و نیک بر ما همی بگذرد نباشد دژم هر که دارد خرد

(همان: ج ۳ / ۹)

همواره باید نگرش امیدوارانه داشت تا موجب شادی روان انسان شود:

سخن‌های اومید گویم کنون که دل را به شادی بود رهنمون

(همان: ج ۴ / ۷۲۰)

باید در حال زندگی کرد و به آینده‌ای که هنوز نیامده، نباید دغدغه‌مند بود:

چهارم که دل دور داری ز غم ز ناآمتدۀ بد، نباشی دژم

(همان: ج ۳ / ۳۹۱)

خردمند همواره عاقبت‌اندیش است:

هر آن‌کس که دارد روانش خرد سر مایه کارها بنگرد

(همان: ج ۳ / ۱۵۰)

۴-۱۸. پرهیز از کاهلی و سستی

پرهیز از کاهلی یکی از چالش‌های مهم در زندگی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت و رضایت ما داشته‌باشد. برای اینکه بتوانیم به اهداف خود برسیم و زندگی پرباری داشته باشیم باید راهکار غلبه بر این عادت‌ها را پیدا کنیم.

فرد دانا باید از پرخوری پرهیز کند تا مانع کاهلی و تن‌آسانی شود:

چنین داد پاسخ که کمتر خوری تن آسای شوی، هم روان پروری
(همان: ج ۴ / ۶۷۸)

بیکاری و تنبلی مانع آسایش و رامشی می شود:
چو بیکار باشی مشو رامشی فگارست بیکار اگر باهشی
(همان: ج ۴ / ۷۸۳)

ورزش را ابزاری برای سلامتی و طول عمر می داند:
شما دیرمانید و خرم بویید به رامش سوی ورزش خود شوید
(همان: ج ۱ / ۴۷)

فردوسی نیرومندی و قدرت جسمانی را موجب راستگویی و تنبلی را ابزاری برای دروغ گفتن می داند:
ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی دروغ آید و کاستی
(همان: ج ۴ / ۶۶۴)

خردمند باید به جسم و سلامتی خود اهمیت دهد:
چو داد تن خویشتن داد مرد چنان دان که پیروز شد در نبرد
(همان: ج ۴ / ۶۶۵)

۴-۱۹. تأمین معاش زندگی

تأمین معاش زندگی یکی از اصول و مهم در زندگی هر فرد است. این موضوع به تأمین نیازهای اساسی؛ مانند غذا، مسکن، بهداشت و آموزش مرتبط است می شود و نقش مهمی در کیفیت زندگی ما دارد.

خردمند آسایش و شادی را در بهبود زندگی می داند:
بدو گفت کسری که رامش که راست؟ که دارد به شادی همی پشت راست؟
(همان: ج ۴ / ۷۲۲)

مال و ثروت موجب امنیت روانی فرد می شود:
چنین داد پاسخ که هر کو ز بیم بود ایمن و باشدش زر و سیم
(همان: ج ۴ / ۷۲۲)

مستمندی موجب ناراحتی جسم و جان می شود:
دلت گر نخواهی که باشد نزنند همان تا نگردي، تن، مستمند
(همان: ج ۱ / ۵)

۵. نتیجه گیری

در تحلیل گفتمانی ارئه شده، می توان مشاهده کرد که گفتمان خردمندی به عنوان یک ساختار ایدئولوژیک مرکزی عمل می کند و روابط قدرت، هویت اجتماعی و هنجارهای اخلاقی را در چارچوب جامعه ایرانی-اسلامی بازسازی می نماید. این رویکرد، زبان را نه تنها به عنوان ابزار توصیف، بلکه به عنوان مکانیسمی برای تولید و بازتولید روابط اجتماعی بررسی می کند. فردوسی از طریق ابیات و مفاهیم کلیدی، گفتمانی می سازد که خرد به عنوان نیروی هدایتگر و تعدیل کننده روابط انسانی معرفی می شود و این گفتمان، در تقابل با گفتمان های نادانی، خشونت و مادی گرایی قرار می گیرد. از منظر گفتمانی، خردمندی در متن به عنوان یک گفتمان هژمونیک ظاهر می شود که ایدئولوژی های اخلاقی-اجتماعی را ترویج می دهد. در بخش هایی مانند معاشرت مسالمت آمیز با مردم و گفتار سازنده، زبان فردوسی، روابط قدرت را از طریق تأکید بر احترام به تفاوت ها، همدلی و گفتگوی مؤثر بازسازی می کند. این گفتمان، روابط اجتماعی را به سمت یک جامعه آرمانی هدایت می کند؛ جایی که قدرت نه از طریق زور، بلکه از طریق خرد توزیع می شود. در بخش های مرتبط با تعادل و پرهیز از افراط و درک ارزش خانواده، گفتمان خردمندی، هویت فردی و جمعی را شکل می دهد. زبان اینجا بر میانه روی تأکید دارد که ایدئولوژی تعادل را در برابر افراط گرایی قرار می دهد و روابط خانوادگی را به عنوان پایه جامعه می سازد. بخش های کمک رسانی با مشورت، شجاعت در ابراز نظر و حس اجتماعی، نشان دهنده چگونگی استفاده فردوسی از زبان برای تولید گفتمان مسئولیت اجتماعی است. در تحلیل گفتمانی، این عناصر، روابط قدرت را دموکراتیک می کنند؛ جایی که خردمند نه تنها شجاع است بلکه دغدغه اجتماعی دارد و با بدی ها مبارزه می کند که این، بازتابی از گفتمان های اخلاقی در ادبیات حماسی است. در جنبه های معنوی و روانی مانند گسست از تمایلات دنیوی، شادی اخلاق مدار، تحمل مشکلات و دانش به عنوان منبع آرامش، گفتمان خردمندی به عنوان نیروی رهایی بخش ظاهر می شود. زبان فردوسی، با تأکید بر زودگذر بودن دنیا، ایدئولوژی عدم دلبستگی را ترویج می دهد که در تقابل با گفتمان مادی گرایی قرار می گیرد. این گفتمان، شادی را به اخلاق و دانش پیوند می زند و روابط انسان با خود و جهان را از طریق خرد منطقی هدایت می کند که این امر، ایدئولوژی خداشناسی را تقویت می نماید. بخش های غنیمت شمردن حال، مشورت پذیری، کنترل خشم، ارتباط معنوی با خداوند، خوش بینی به آینده، پرهیز از کاهلی و تأمین معاش، گفتمان خردمندی را به عنوان یک نظام جامع زندگی تکمیل می کنند. از دیدگاه انتقادی، این گفتمان می تواند به عنوان ابزاری برای حفظ هنجارهای سنتی عمل کند؛ اما همزمان، به عنوان مقاومتی در برابر آشفته گی های اجتماعی، روابط قدرت را به سمت عدالت و آرامش هدایت می نماید.

منابع

- ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین (۱۳۸۰). دفتر عقل و آیت عشق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انوشه، ملیحه؛ ابوالحسنی‌چیمه، زهرا، مولودی، فواد؛ سیدابراهیمی‌نژاد، فاطمه (۱۴۰۰). «مفهوم‌سازی احترام والدین و فرزندان: بررسی زبان اجتماع در شاهنامه فردوسی»، فصلنامه زبان‌شناسی/اجتماعی، دوره پنجم (سری جدید)، ۱(۱۷)، ۵۷-۶۹.
- پرهام، باقر (۱۳۷۷). با نگاه فردوسی: مبانی خرد سیاسی در ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز. تفضلی، احمد (۱۳۸۰). مینوی خرد، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.
- حسنوند، فضل‌الله؛ شیوندی‌چلیچه، کامران؛ درتاج، فریبرز؛ دلاور، علی؛ سعدی‌پور، اسماعیل (۱۴۰۳). «خرم‌زیستی، شادکامی خردمندان در گستره روان‌شناسی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۵(۵۷)، ۱-۲۷.
- حسنوند، فضل‌الله؛ شیوندی‌چلیچه، کامران؛ درتاج، فریبرز؛ دلاور، علی؛ سعدی‌پور، اسماعیل (۱۴۰۱). «ارتباط اجتماعی خردمندان، بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی»، فصلنامه علمی شناخت/اجتماعی، ۱۱(۲)، ۳۶-۲۵.
- خسروی، اشرف؛ موسوی، سیدکاظم (۱۳۸۷). «خردورزی و دین‌داری اساس هویت ایرانی در شاهنامه»، فصلنامه کاوش‌نامه، ۹(۶)، ۹۹-۱۲۸.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵). اوستا، گزارش و پژوهش، چاپ دهم، تهران: مروارید.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۵). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی، تهران: امیرکبیر.
- رضا، فضل‌الله (۱۳۷۵). پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی (جلد اول و دوم)، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی.
- رضاپورمقدم، رؤیا؛ حرمتی، حمیده (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های خردگرایی در نگاره‌های شاهنامه موردپژوهی نگاره دیدار تهمینه و رستم»، فصلنامه باغ نظر، ۱۶(۸)، ۱۷-۲۸.
- رنجبر، احمد (۱۳۶۳). جاذبه فکری فردوسی، تهران: امیرکبیر.
- سبحانی‌نارین؛ عباسی‌فر، حدیث؛ شفیعی‌یاسمن؛ علی‌پور، فرزانه؛ فرخ‌بلاغی، فاطمه؛ جعفری‌کلیدر، فاطمه (۱۴۰۲). «جایگاه خرد و خردورزی در شاهنامه فردوسی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۶(۶۰)، ۳۴-۲۵.
- سوتر، فرناندو (۱۳۸۲). پرسش‌های زندگی، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

- صادقی گیوی، مریم (۱۳۸۸). «تحلیل مبانی اندیشه‌های خردگرایی در شاهنامه فردوسی»، *فصلنامه مطالعات نقد ادبی*، ۱۷، ۶۶-۳۵.
- طهماسبی، فرهاد (۱۳۹۸). «تقابل و تعامل در فردوسی از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی (از گیومرت تا فریدون)»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، ۲(۲۸)، ۲۷۷-۲۵۵.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *شاهنامه فردوسی*، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *شاهنامه*، پیرایش جلال خالقی مطلق، دوره ۴ جلدی، چاپ هفدهم، تهران: سخن.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۶۹). *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران: فردوس.
- مشایخی، منصوره (۱۳۸۸). «ارتباط خرد و شادی در شاهنامه فردوسی و مطابقت آن با شعر چند شاعر فارسی و عربی زبان»، *فصلنامه ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۱)، ۲۳۳-۲۱۳.
- میزانی جوانشیر، فرج‌الله (۱۳۸۰). *حماسه دد*، تهران: جامی.
- نیک‌روز، یوسف؛ کریمی، فاطمه (۱۳۹۴). «نقد روان‌شناختی گشتاسپ در داستان رستم و اسفندیار بر اساس روان‌شناسی تحلیلی یونگ»، *فصلنامه ادبیات پهلوانی*، ۲(۴)، ۱۵۲-۱۱۹.